

یک گام برای کاهش تصادفات

آغاز اصلاح شبکه روشنایی گردنه اسدلی

تلنگر

خیانت در امانت در قانون مجازات اسلامی (۱)

مطابق ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی: « هر گاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کاری با اجرت یا بی اجرت به کسی داده‌شدو اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده‌آن‌ها را به‌ضرر مالکان یا متصرفان آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود کند، به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.» اشیایی که انتقال آنها از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون این که به‌خود اشیاء یا محل استقرار آن‌ها خرابی وارد شود، منقول هستند مانند: اتومبیل، کتاب و...

مالی که از محلی به محل دیگر قابل نقل و انتقال نباشد، غیر منقول است‌خواه استقرار آن ذاتی باشد (مانند زمین یا کوه) یا به دلیل عمل انسان برای انتقال آن، در خود مال یا محل آن خرابی یا نقش ایجاد‌شود(مثل خانه).

■ **سفته، چک و قبوض**

چک و سفته اسناد تجاری‌اند که در داد و ستد به کار می‌روند همچنین برات و قبوض که جمع کلمه قبض است مانند رسیدهای تحویل کالا، جنس، پول و غیره.

■ **اجاره، امانت و رهن**

عقودی‌اند که مردم روابط معاملاتی خود را در قالب آن‌ها تنظیم و انشامی کنند برای مثال، اشخاص برای استفاده از منافع یک مغازه تجاری یا مکان مسکونی مباشرت به انشای عقد اجاره می‌کنند. یکی از اشتباهاتی که ممکن است در بحث جرم خیانت در امانت به‌وجود آید، این است که عده‌ای گمان کنند. برای تحقیق این جرم حتماً باید عقد یا قرار دادی وجود داشته باشد؛ یعنی برای محکوم کردن کسی به ارتکاب جرم خیانت در امانت شاکی باشد و ثابت کند که با متهم عقد امانت یا اجاره‌ی ... منعقد کرده است. برای رفع این اشتباه، قانون‌گذار از عبارت: یا هر کار با اجرت... استفاده کرده‌است.

برای مثال اگر شخصی برای کمک به دوستش در اسباب‌کشی منزل اعلام کند که بدون هیچ دستمزدی مال او را با و انت خود جابه‌جا خواهد کرد ولی به جای تحویل اجناس آنها را به فروش برساند، مرتکب جرم خیانت در امانت شده‌است، بدون آنکه بین آن دو قرار دادی عقدی وجود داشته باشد.



نجفیان - اصلاح ۵/۵ کیلومتر از شبکه روشنایی گردنه اسدلی در محور اسفراین- بجنورد آغاز شده است تا از یکی از عوامل بروز تصادفات به علت تاریکی شب در این گردنه پیشگیری شود. «ابراهیم ذاکری» رئیس اداره راهداری و حمل و نقل جاده ای اسفراین با اعلام این مطلب به خبرنگار ما افزود: نگهداری از ۱۸ کیلومتر شبکه روشنایی محور اسفراین- بجنورد وظیفه راهداری و حمل و نقل جاده ای اسفراین است که با اصلاح این میزان از شبکه روشنایی

تنبیه بدنی دانش آموزی را راهی بیمارستان کرد

مدیر آموزش و پرورش: در صورت صحت با مدیر متخلف برخورد می شود



را به دبیران و مدیران مدارس گوشزد می کنیم. وی تصریح کرد: در صورت صحت این ادعا مطابق قانون با مدیر متخلف به میزان شدت جراحت وارد شده به دانش آموز برخورد می کنیم.

بروم. زمانی که به منزل رسیدم دیدم برادرم بی هوش افتاده است، بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم و او را به بیمارستان منتقل کردیم. پدر این دانش آموز نیز گفت: از سر پسر عکس برداری شده است و بعد از بررسی پزشک مشخص می شود که آیا ضربه به سر مشکل خاصی برای او به وجود آورده است یا نه؟ وی مدعی شد: یکی از نیروهای این مدرسه فرزندش را با خودرو به منزلمان آورد و بلافاصله از محل دور شد. فرزند در منزل از حال رفت.

مدیر آموزش و پرورش بجنورد در این باره به خبرنگار ما گفت: آخر وقت اداری روز چهارشنبه از دبیرستان مورد نظر این موضوع را به من اطلاع دادند و بلافاصله مأموران حراست را فرستادم تا صحت

و سقم این ادعا را پیگیری کنند. «اسدی» با بیان این که هیچ یک از دبیران و مدیران مدارس حق تنبیه بدنی دانش آموزان را ندارند اظهار کرد: ما در دوره های آموزشی ضمن خدمت مدام این موضوع

سرطان؛ تاوان اعتیاد به یک ماده مخدر

«گل» به خودی

من کلا از مواد مخدر خوشم نمی آمد چون تعداد زیادی از افراد درجه یک خانواده ام اعتیاد داشتند اصلا دلم نمی خواست شبیه آن ها شوم.

۱۸ سالم بود که یک روز با دوستانم در پارک نشسته بودیم. یکی از آنها یک نخ سیگار درآورد و شروع کرد به کشیدن، قبل از آن هم سیگار کشیده بودم اما بوی سیگاری که آن روز دست دوستم بود فرق داشت.

بوی عدس سوخته می داد. هر نفر یک پک زد و نوبت به من رسید.

شناختی از حشیش نداشتم.

من هم یک پک زدم. دفعه اول بوی تندش

مشامم را آزرَد و به سرفه افتادم اما بعد از آن به قدری همراه با دوستانم به همه چیز خندیدم که سرفه را فراموش کردم.

حسن و حال اولین مصرف حشیش

چطور بود؟ فقط می خندیدم، آن قدر که نمی توانستم حرف بزنم. کلمات را از یاد برده بودم و فقط می خندیدم. این تجربه روز اول بود اما بعدا اتفاقات دیگری برایم رخ داد.

در خانه که سیگاری می کشیدم احساس می کردم وسایل خانه از سر جایشان بلند می شوند و روی هوا حرکت می کنند. دوستانم را شبیه موجودات دیگر می دیدم و از خنده غش می کردم.

تا چه مدت این خنده ها ادامه داشت؟ خیلی زیاد نبود، بعد از آن از نظر روانی به این ماده کاملا وابسته شدم. اگر یک روز حشیش به من نمی رسید اعصابم به هم می ریخت و پرخاشگر می شدم.

گل چه زمانی وارد زندگی ات شد؟

بعد از حشیش با گراس آشنا شدم. حال بدی

بخش مهمی از مشکلات ناشی از خاموشی برطرف خواهد شد.وی تاکید کرد: با اصلاح ۵/۵ کیلومتر از شبکه روشنایی تا حد زیادی خاموشی ها متوقف خواهد شد. پیش از این خاموشی گردنه های پر پیچ و خم محور اسفراین - بجنورد مورد نقد «نوروزی» فرماندار اسفراین در

کمیته برنامه ریزی این شهرستان قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، بناست کار گروهی برای تدبیر درباره تامین روشنایی در نقاط و مقاطع حادثه خیز جاده ای در اسفراین تشکیل شود تا برای آرام سازی و آشکار سازی مورد بهره برداری بعدی قرار گیرد.

در راهروی دادگاه خانواده

سراب وعده های پیش از ازدواج

در دانشگاه خیلی ها دوست داشتند به او نزدیک شوند و وقتی دوستانم می دیدند او سعی دارد خودش را به من نزدیک کند، می گفتند: او را از دست نده. خوش تیپ و خوش برخورد بود. سعی داشت بیشتر خودش را به من نزدیک کند و من هر چند تمایلی به رابطه مخفیانه با یک پسر نداشتم اما هر روز بیشتر از گذشته برای داشتن او وسوسه می شدم. بالاخره تسلیم حرف های عاشقانه او شدم و رابطه مان شکل گرفت و من هر روز بیشتر از قبل به او وابسته می شدم.

من که در یک خانواده سنتی بزرگ شده بودم تصور می کردم که با ازدواج یا او می توانم هر چه دوست دارم بپوشم و هر جا دوست دارم بروم.

بالاخره بعد از مدتی دوستی به خواستگاری ام آمد، هر چند خانواده ام می گفتند فردی که حجاب برایش اهمیت ندارد به درد خانواده ام نمی خورد اما من گوشم به این حرف ها بدهکار نبود و با گریه و زاری، خانواده ام راضی به این وصلت شدند. روزهای نخست ازدواج فکر می کردم خیلی خوشبخت هستم که چنین همسری نصیبم شده است اما خیلی زود متوجه شدم چیزهایی که همسرم پیش از ازدواج به من نشان داده بود سرابی بیش نبود.

همسر در یک شرکت دولتی با حقوق ناچیزی کار می کرد که علاوه بر هزینه کرد آن برای خودمان به علت فوت پدرش باید هزینه های مادر و خواهرش را هم با آن پرداخت می کرد. اوایل با خودم می گفتم وقتی عشق باشد می توانم با نداری بسازم اما رفته رفته فهمیدم که همسرم انتظار دارد خانواده ام تمام وسایل زندگی مشترک مان را تأمین کندو عشق من یک طرفه بوده است. در ماه های اول زندگی مان همسر حاضر نبود حتی یک هزار تومانی برای من خرج کند و می گفت ما نامزد هستیم و همه مخارج تو را باید خانواده ات بدهند. با هر عیدی که می رسید خانواده ام انتظار داشتند همسر و خانواده اش عیدی برای من بیاورند اما دریغ از خریدن حتی یک شال ارزان قیمت. همسرم اصلا به خواسته های من توجه نداشت و تحت تاثیر حرف های مادرش بود. وقتی حوصله ام سر می رفت و می گفتم با هم تا با امان و یا بش قار داش برویم بپانه می آورد و می گفت پولی نداریم که به آن جا برویم. بعد از گذشت چند ماه دیگر خسته شدم. نه تفریحی، نه عیدی و یا حتی کادوی کوچکی. روزگار برایم زمانی سخت تر شد که قرارداد همسرم با آن شرکت دولتی تمام شد. بعد از آن همسرم مدام در خانه بود و هیچ تلاشی برای پیدا کردن کار جدید نمی کرد. من هر چند روی برگشت به سمت خانواده و اعتراف اشتباهم را نداشتم اما دیگر طاقتم طاقی شد و حالا به دادگاه خانواده آمده ام تا با پذیرفتن اشتباهتم تکلیفم را روشن کنم.